

إثنا عشر رسالة

[4] وملايست حیات جسمانی وروح حیوانی و حیات هر صاحب حیات حسی و عقلی از فیض صنع اوست و متکلم است بی ادوات لهجه و لهات و اعصاب و عضلات و کلام أو حق و صدق و مطابق واقع و نفس الامر است و قدیم ازلی سرمدیست و دایم باقی ابد است و بالفعل حق محض است از جمیع جهات و جمیع حیثیات صفات کمال را بالفعل مستجمعت بمجوزت حقیقت يك حیثیت جامعہ که آن حیثیت وجوب ذاتیست و بهمین حیثیت جامعہ که آن من جمیع الوجوه والجهات تام است و فوق التمام و صفات تقدیسه آنست که یکیست بوحدة حقّه حقیقه که از هیچ چه شريك و انباز ندارد و مقدس و منزّه است از مثل و شبیه و نظیر و کفووند و ضد و جسم و جسمانی نیست و جوهر نیست و عرض نیست و منق باجزای مقداری نیست و مرکب از اجزای ماهیت نیست خواه اجزای معنویه متبانیه و خواه اجزای محموله ذهنیهء احدیث حقّه و صمدیت مطلقه أو متقدّس است از کثرت قبل الذات و کثرت مع الذات و کثرت بعد الذات و مکانی و زمانی نیست بلکه خالق مکان و زمان است و متعالی و متعاطم است از حدود جهات و ابعاد و امتدادات و محالست که جزئی شود و قوت باصره
